

فیگور فلسفہ

فیلم

فیلم
فیگور
فلسفہ

تأملات
زیبا ہے شناسے
دہتے سینما

نعمت اللہ سعیدی

سرشناسه ■■ سعیدی، نعمت‌الله، ۱۳۵۱ -
 عنوان و نام پدیدآور ■■ فیلم، فیگور، فلسفه، تأملاتی در زیبایی‌شناسی دینی سینما/ نویسنده
 نعمت‌الله سعیدی؛ با همکاری دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.
 مشخصات نشر ■■ قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف،
 ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری ■■ ۲۰۰ ص.
 شابک ■■ ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱۱-۳۷-۰
 وضعیت فهرست نویسی ■■ فیا
 عنوان دیگر ■■ تأملاتی در زیبایی‌شناسی دینی سینما.
 موضوع ■■ سینما ایران - مد و تفهیم
 موضوع ■■ Religion - Motion pictures
 موضوع ■■ سینما - جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 موضوع ■■ Islam - Religious aspects - Motion pictures
 شناسه افزوده ■■ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف
 شناسه افزوده ■■ دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
 رده بندی کنگره ■■ ۷۱۳۹۶ س/ب/۵/۱۹۲/۵
 رده بندی دیویی ■■ ۱۱/۴۳۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی ■■ ۲۸۵۷۲۴۸



فیلم، فیگور، فلسفه؛ تأملاتی در زیبایی‌شناسی دینی سینما

تهیه شده در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

نویسنده: نعمت‌الله سعیدی

مدیر هنری: رسول خسرویگی

ویراستار: نرجس توکلی لشکرجانی

نمونه خوان: فاطمه آقایی، مرضیه یعقوبی

ناشر: نشر معارف

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱۱-۳۷-۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۹۶

قیمت: ۱۰ هزار تومان

دفتر مطالعات جبهه فرهنگی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۶۰، حسینیه هنر | تلفن: ۰۲۱ ۸۸۹۶۰۴۷۷

دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهدا (صفائیة)، کوچه ۳۲، پلاک ۳ | ۰۲۵۲۷۷۴۰۰۰۴ | ۰۲۵۲۳۱۰۷۷

Ketabroom.ir @MaarefBook

۱۳	 سینما چه نیست؟
۴۱	 ملاحظات در جامعه‌شناسی سینمای ایران
۶۷	 از دیدن جمعی تا دیده‌شدن جمعی
۷۹	 نسبی‌گرایی اخلاقی و شخصیت‌های خاکستری
۹۵	 تعلیق و انتظار
۱۱۷	 ژانرها و پیام‌ها
۱۳۹	 تعلیق و ۳۶ وضعیت نمایشی
۱۵۱	 پیوست
۱۵۳	 آن طرف از این طرف!
۱۶۳	 بی‌بی سینمای ایران
۱۷۹	 لکه: رخنه‌ای بر پیکره سینمای هالیوودی

گاهی با خودت سر می‌کشم اگر به جای نوشتن از عالم و آدم، جرئت داشتم که از اوضاع روزگار خویش بنویسم، هم آموزانده‌تر می‌شد، هم خواندنی‌تر. چطور ممکن است آدم بخرد پس، نتواند خوب زندگی کند و بخواهد خوب زندگی کردن را به دیگران بیاموزد، پناه می‌برم به خدای مهربان اگر بناست این حرف‌ها بویی از ناشکری بدهد. قطعاً منظورم این نیست، یا قطعاً و حتماً امیدوارم این‌گونه نباشد. در مضامین برنی از احمدی می‌توان این‌گونه برداشت نمود (به تعبیر بنده) که خداوند می‌فرماید بنده من، هروقت خواستی با من خلوت کن و آرزوهایت را از من بخواه و فقط از من بخواه که حوایج تو را برطرف کنم، اما بنده داری به من یاد نده! یعنی من می‌دانم و فقط من می‌دانم هروقت و در هر لحظه چه مرگت است. اما بهتری چیز برای تو و در هر لحظه و همه وقت، همین چیزهایی است که برایت اتفاق می‌افتد. بگویم.

چند وقت پیش یکی از دوستان که در یکی از انتشاراتی‌ها فعالیت می‌کند، دوباره خیال کرده بود که بنده حقیر قصد و تعمّدی جدی دارم که کتاب چاپ نکنم؛ در صورتی که به نظر من تعمداً کتاب چاپ نکردن در این روزگار همان قدر ابلهانه است که تعمداً چاپ کردن. این آدمیزاد استعدادی برای حماقت دارد که گمان نمی‌کنم هیچ مخلوق دیگری داشته باشد. مثلاً حماقت اینکه خیال کنی تا کتاب چاپ نکنی آدم حسابی حساب نمی‌شوی. بگذریم و سرتان را درد نیاورم. این دوست بزرگوار، دو سِری از یادداشت‌های ادبی و سینمایی حقیر را که در مطبوعات و جاهای مختلف منتشر شده بود،

جمع‌آوری کرد و به بنده رساند.

راستش وقتی حجم اینها را دیدم، از خودم خجالت کشیدم. مخصوصاً مجموعه یادداشت‌ها و نقدهای سینمایی از نظر وزن و تعداد کلمه سر به فلک می‌زد. اما وقتی تورقی کردم، خونم به جوش آمد. با خود گفتم که ببین در طول این همه سال وزاجی، یک بار شد فراغت و خلوتی درست کنیم و اصل حرف‌هایمان را بنویسم و برویم ردّ کارمان؟ خدا هر نعمتی را که به آدم می‌دهد، درباره‌اش خواهد پرسید. «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ از شما درباره نعمت‌های الهی سؤال خواهد شد (تکاثّر: ۸). در رأس این نعمت‌ها، نعمت ولایت مولای متّقیان علیه السلام و باقی ائمه اطهار علیهم السلام است. گفتم نکند درباره مثلاً نزد سینما خداوند نعمت نوشتن نکاتی را به یکی مثل حقیر داده باشد و روز قیامت بپرسد مسئولان فرهنگی را که «لَتَرْوُنَّ الْجَحِيمَ» (تکاثّر: ۶) و حالا به حساب «حَتَّىٰ رُزِّتُمُ الْمَقَابِرَ» شان می‌رسیم؛ اما تو در دنیا چه غلطی می‌کردی؟ خلاصه خدا رحمت می‌کند که آدم هر چه زودتر کار و تکلیف خودش را بشناسد و خدا رحمت کند آدم بایی که سرشان را می‌اندازند پایین و کار خودشان را می‌کنند.

این شد که گفتیم توکل به خدا، فوق‌آخر یکی دو سال دیگر هم دندان به این جگر جزغاله بگیریم و با ترفندی شکسته بستره هر چه را که خیال می‌کنیم (و شاید به قول معروف یابو برمان داشته) از این دنیا فهمیده‌ایم، تحویل اهل همین دنیا بدهیم و بعد برویم سراغ شش وهشت زندگی خودمان که در قرآن فرموده مگر زمین من وسیع نبود؟ (نساء: ۹۷) این شد که بنا شد بنشینیم به کتاب چاپیدن و چپاندن رئوس فرمایشات در چند عنوان کتاب و از جمله آنها همین کتاب تأملاتی در زیبایی‌شناسی دینی سینما. خلاصه بخش عمده‌ای از این کتاب (تقریباً شش فصل) را در دو هفته نوشتیم؛ یعنی آن قسمت‌هایی را که احساس می‌کردیم قبلاً مطالعاتشان را انجام داده‌ایم و حالا عیبی ندارد که منظم و منسجم ارائه نشود، به امید اینکه شاید در مرحله دوم و سوم برگشتیم و این فصول را پاک‌نویسی و دوباره نویسی کردیم. اما مرحله دوم این بود که برخی از کتاب‌های ضروری را دوباره تورقی کنیم

و نکته برداری و خلاصه نویسی کرده و بعد برویم سراغ چند دسته از کتاب‌ها که خیلی وقت است بنا بوده مطالعه شوند؛ مخصوصاً برخی از آثار معروف و مرجع روان‌شناسی، سبیل‌شناسی، عرفان و فلسفه. چند صد هزار تومانی خدا رساند و کتاب‌های ضروری را به هر قیمتی که بود از این طرف و آن طرف خریدیم و قرض کردیم و غرق در بحر مطالعات و مکاشفات بودیم که... آفتابه‌بازی شروع شد! حالا اجازه بدهید از لاک خودسانسوری مان بیرون نیایم و توضیح و تفسیر این افاضات اخیر را به خودتان بسپاریم. فقط به تمام شما عزیزان و آیندگان توصیه می‌کنم که با وعده و وعید هیچ بنی‌بشری، بدون افعیله، ترجیحی تهریف نبرید. آن وقت هرچه اعتراض کنید که ما روی حرف شما حساب واکده ایم و حسابی اینجا کارهایی کرده ایم که نمی‌شود این جواری نیمه‌کاره را گذاشت و... فایده ندارد. آمدیم کسی گوش نکرد! اگرچه آب که نباشد، راجب نیست آدم آبروریزی راه بیندازد. تیمم بر سنگ و کلوخ در این شرایط مجاز است. عرف حاجت خواهد کرد.

ما آدم‌ها، فرد فرد در محضر حاضری شرییم و باید حساب پس بدهیم. ناامیدی مطلق از خلق خدا و غیر خدا جان‌کیف و لذتی دارد که خود خدا آن را فقط به عزیزترین بندگان‌ش می‌چشاند. کاش حقیر مطمئن بودم که باعث نواقص این کتاب، کوتاهی نگارنده نبوده و این گونه شرمنده شما عزیزان نمی‌شدم. به هر حال این مجموعه پریشان اگر سیرازی گفت و به صورت یک کتاب الان در دست‌تان بود، شما حق بر گردن این حقیر خواهید داشت و شاید بنده نیز نسبت به شما، حقیر در این صورت حق و حقوقم را به شما که خودش لطف خدا بوده، به امید اجر و رضایت خود حضرتش می‌بخشیم. از شما نیز متقابلاً، ملتزمانه استدعا دارم که بر بنده ببخشایید. اما بعد:

۱. اگرچه همین حالا هم حجم کتاب نسبتاً کم نیست، اما تقریباً خمس آن مطالبی است که نگارنده قصد داشت راجع به آنها بحث کند و ارائه‌شان دهد. اگر در صفحات پیش‌رو، نسبت به مباحث آینده وعده‌هایی داده ایم که عملی نشده است، مجدداً همین ابتدا عذرخواهی می‌کنم.

۲. تمام فصول پیش‌رو، به جز فصل صور برزخی آثاری از سینمای هالیوود

و فصلی که بنا بود از قهرمان و ضدقهرمان صحبت کنیم و همچنین از نوع شخصیت‌پردازی براساس کتب اخلاقی و منابع اسلامی در مقایسه با شخصیت‌پردازی براساس تفکر اومانیستی و علم روان‌شناسی جدید، به علاوه یک فصل دیگر؛ تقریباً با همان ترتیب اولویتی که مدنظر حقیر بوده، نوشته و ارائه شده است. این یعنی می‌توانیم امیدوار باشیم که از مهم‌ترین حرف‌هایمان شروع کرده‌ایم و هرچه را که نرسیده‌ایم بگوییم، درجات کمتری داشته‌اند.

۳. احتمالاً برای رفع نواقص موجود، تعدادی از مقالات مستقل قبلی به این مجموعه اضافه خواهد شد که در این صورت، در ابتدای هریک از آنها، شناسنامه مقاله، یعنی محل چاپ و تاریخ انتشار آنها ذکر خواهد شد. طبیعتاً لحن و انشای این مقالات و نوع ارائه مطلب در اینها با سیاق باقی فصول تفاوت‌هایی خواهد داشت، اما مطلب اصلی و جان‌مایه این مقالات، همان چیزهایی است که قصد داشته‌ایم با ادله و استدلال‌های بیشتر و توضیح و تفسیر بهتر بحث کنیم. این ترتیب می‌شود فرض کرد تا حدود زیادی اصل عریضمان را به مخاطب رسانده‌ایم، اگرچه بلیغ و مبین نبوده باشد.

۴. در انتها تشکر می‌کنم از عزیزان ناشناس مخصوصاً دوستان و بزرگواران دفتر مطالعات جبهه فرهنگی که بردبارانه گزارش کار را کشیده و شرایط چاپ و انتشار آن را فراهم نموده‌اند. صحبت از عبرت‌ورداپی شد، جا دارد تشکر کنم از تمامی عزیزانی که هریک به نحوی و به سهم خود نسبت به حقیر صبورانه خرج داده‌اند و شرایطی ایجاد کرده‌اند که این خدمتی مقدار کمی چانه‌درازی کند. از والدین محترم گرفته تا خانواده و دانش‌آموزان و برنجی که با صبوری از زیر خاک جوانه زده‌اند و روزها و هفته‌ها زیر آفتاب و ابرو باد و فلک فتوسنتز کرده‌اند و خوراک امثال بنده شده‌اند و اصلاً خود زمین که این همه سال وزن ما را تحمل کرده است و بناست تا هنگام حشر بردباری کند و خود حضرت حق که جز خودش کسی این همه صبر ندارد و این همه صبوری را نمی‌فهمد و اگر تمام مخلوقات فقط به جای یکی چون حقیر از او تشکر و قدردانی کنند، از عهده شکرش بر نمی‌آیند....

مرده را بهر چه می پوشند چشم آگاه باش

خاک خلوتگاه اسرار است و ما نامحرمیم

۵. این کتاب را متواضعانه و شرمسارانه تقدیم می کنم به ساحت مقدس غربای بقیع، به ویژه آستان مبارک امام سجاد علیه السلام و رسماً و کتباً مراتب خاکساری و گدایی خویش را برابر با سند به ثبت می رسانم و حضرت حق و شما خوانندگان عزیز را گواه می گیرم و با قلبی مطمئن از گداپروری و عطوفت این حضرات معصوم علیهم السلام این مقدمه را به پایان می برم.

والسلام علیکم ورحمة الله.

محمد دین محمد دین، حقیری بمقدار، نعمت الله سعیدی. و الحمد لله رب العالمین.